

## مادری در فقه؛ هست ها و باید ها

### چکیده

زن در فقه هویت هایی سه گانه دارد که یکی از آن ها «هویت مادری» است. هویت مادری همانند دو هویت دیگر زن تکالیف و وظائف و حقوقی را می توانست برای زن به همراه داشته باشد.

مادری زنان در فقه گره خورده است به تکالیف و وظائف و آن گونه که باید حقوق معطوف به این نقش تبیین نشده است. حقوقی هم چون: لزوم تمکین فرزندان از مادر، سهم مادران در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های مربوط به خانواده؛ حق مادران از درآمدهای اقتصادی خانواده؛ تامین لوازم بهره گیری مادران از دیگر حقوق انسانی و اجتماعی و...

نقش مادری در فقه با پشتوانه عادات و رسوم دینی چنان عرصه را بر زنان تنگ کرده است که آنان را از رسیدن به حقوق مسلم دیگرشان محروم کرده است؛ محرومیت که تبعات آن را در دوران جدید به خوبی می توان لمس کرد.

**واژگان کلیدی:** مادری در فقه، سنت گرایی، نواندیشی، آسیب ها.

### طرح بحث

مباحث مربوط به ظرفیت ها و واقعیت های وجودی زن از یک سو و نوع نگاه مسلمانان و عالمان دینی به زن از سوی دیگر در جهان جدید تبدیل به یک چالش جدی شده است.

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ مدیر گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام

تمدنی و دانشجوی دکتری فقه و مبانی دانشگاه آزاد تربت حیدریه

چالشی که یکی از بخش های مهم آن را در مورد حقوق و تکالیف زنان به ویژه جایگاه «مادری» و نسبت آن با دیگر حقوق زن می توان دانست.

حقوق زنان به صورت عام و کارکرد زن در نهاد خانواده به صورت ویژه اگر چه از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است اما چندی است که کانون توجه و عنایت اصحاب اندیشه و فکر قرار گرفته است. (ر.ک. به: عادل حسن یوسف الحمد، دور المرأة فی رعاية الأسرة؛ أحمد بن محمد أبابطين، المرأة المسلمة المعاصرة إعداها ومسؤولیتها فی الدعوة) در این راستا بازخوانی اندیشه های فقهی در حوزه های مختلف به ویژه فقه زنان در حال تبدیل شدن به یک رویه است. پژوهشگران و حتی فقیهان چه در حوزه های شیعی و چه سنی تلاش ستودنی را در این عرصه شروع کرده اند. گرچه با کمال تأسف از شروع دیر هنگام و کند این بازخوانی در حوزه شیعی باید خبر داد اما آثار این تلاش ها را از هم اکنون می توان با نگاه تحسین آمیزی نظاره کرد.

در حوزه دین پژوهی به طور عام و مباحث زنان به صورت خاص می توان از دو نظریه غالب و حاکم در میان اندیشمندان شیعی و سنی سخن گفت: نظریه سنت گرایی یا محافظه کاری و نظریه نوگرایی یا اصلاح طلبی.

هر یک از این دو رویکرد دارای مبانی خاصی و نحله های متفاوتی است که در این فرصت مجال پرداختن به همه آن نیست اما به گونه ای مختصر می توان از مبانی هر یک از دو نظریه به صورت تیتروار و گذرا سخن گفت.

### سنت گرایی

نظریه و گفتمان سنت گرایی به دو صورت اصول گرایی و بنیادگرایی در جوامع دینی خود را نشان داده است. نظریه سنت گرایی که رأی حاکم در بسیاری از حوزه های مربوط به مباحث زنان است و ویژگی بارز آن نیز دفاع از وضع موجود و مخالفت با هر گونه نوآمدی و تحول خواهی است بر چند عامل ثابت و غیرقابل تغییر استوار است که عبارتند از: الف - محوریت متن ب - جغرافیاگرایی، ژئوگرافیسیم ج - تاریخ گرایی، هسیتوریسم.

به صورت گذرا و در ارائه تصویر کلی از سنت گرایی می توان گفت شاخصه مهم تفکر سنت گرایان



تأکید بر روایات و منقولاتی است که دست به دست در اختیارشان قرار گرفته و لذا سبب شده ایشان معتقدات خود را جواب‌گوی تمام مسائل فردی و اجتماعی دانسته و بگویند هیچ واقعه‌ای خالی از حکم نیست.

پاره‌ای از نویسندگان در توضیح نگاه فقیهان به زن جایگاه فقاقت و شأن ایشان را در نوع تعامل با حقوق زنان موثر دانسته و گفته‌اند: «و الفقهاء أصلاً رجال قانون فهم مقنون.... نختلف طبيعة المقنن عن طبيعة المحرر..... فالمقنن یعنی بوضع الحدود..... و من ثم فقد یمیل للتقید أكثر مما یمیل للتحریر.» (المرأة المسلمة بین تحریر القرآن و تقیید الفقهاء، ص ۱۱۳)

در دستگاه سنتی فقهی حتی تلاش‌های روشمندی که می‌خواهند از حجم چالش‌های موجود در جهان پیرامونی و فقه و دستگاه فقاقت بکاهند هم نادیده انگاشته می‌شود به گونه‌ای که اعتقاد برخی اندیشمندان به منطقه الفراغ - اصطلاحی که کسانی مثل شهید سیدمحمدباقر صدر ابداع کرده‌اند و بر حوزه مباحات که شریعت در آن جا مسکوت گذاشته و مدیریت آن را به حاکم اسلامی سپرده است - (صدر، اقتصادنا، ص ۴۸۵) را نیز باوری غیرقابل دفاع دانسته و آن را نفی می‌کنند. (مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۵۲۲)

اینان با توجه با اعتقاد تقدس‌گرایانه به متن جغرافیای مورد خطاب متن را نیز اصالت داده و آیین‌ها و احکام و سنت‌های جاری در آن جغرافیا را که مورد تأیید متن قرار گرفته را تسری به تمام مناطق دیگر داده و در واقع با تقلیل‌سازی مناطق جغرافیایی یک منطقه را محوریت می‌دهند.

## نوگرایی

نظریه و گفتمان نوگرایی نیز خود را به دو صورت «رادیکال» و «اصلاح طلب» در جوامع دینی به نمایش گذاشته است. این نگاه نیز بر عواملی استوار است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- عقلانیت انتقادی، ب - شأنیت تاریخی، ج - تأکید بر ارزش‌گرایی در مقابل قانون‌گرایی،

د - گریز از شکل‌گرایی و دفاع از اصالت محور.



نوگرایان در پروژه نوسازی حقوق زنان ضمن آنکه در مقابل وحی و روایات قطعی سر تعظیم فرود می‌آورند به حکم ملازمه منطقی بین شرع و عقل به بازخوانی وحی و روایات با توجه به شرایط متحول جهان می‌پردازند. در نگاه ایشان معرفت انسانی از متون دینی نسبی و غیر مطلق است ضمن آنکه اذعان به حقیقتی مطلق در ماوراء فهم‌ها دارند.

نوگرایان با توجه به نکته فوق احکام را فراتاریخی نمی‌بینند بلکه احکام شرعی را نازل و ناظر بر شرایط متعین تاریخی می‌دانند. به همین جهت اینان نه تنها متون دینی را متونی ارزشی که باید ارزش‌های بنیادین اخلاقی را از آن‌ها استخراج و متناسب با شرایط و سنجش روش‌ها آنها را تبدیل به قانون کرد، بلکه قالب‌گرایی را به صورت جدی نفی و طرد می‌کنند.

نوگرایان معتقدند احکام فقهی بماهیم احکام فقهی دارای اصالتی نیستند بلکه اصالت آن‌ها به انطباق آن‌ها با ارزش‌های کلی و عام‌تر مورد نظر شارع و اصول ثابت انسان شناختی است. (برای تفصیل این بحث مراجعه کنید به: حکیم پور، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد)

مقوله «مادری» نیز در شریعت و فقه از این دو زاویه قابل بررسی است که در ادامه تلاش شده است تا به آن پرداخته شود.

## زن و مادری

زن به عنوان یکی از موجودات نظام آفرینش در آموزه‌های دینی آن گاه که در جایگاه مادر می‌نشیند اهمیت ویژه و توجه خاصی پیدا می‌کنند. (ر.ک: برهان زریق، المرأة فی الاسلام؛ فضل الله، دنیا المرأة) اما لزوماً این نگاه ویژه در فهم فقیهان و عالمان مسلمان خود را نشان نداده و نشان هم نمی‌دهد.

این کاستی را به روشنی در آثار فقیهان می‌توان دید؛ چرا که نه در میان پیشینیان و نه در میان فقیهان معاصر مسئله‌ای ویژه به نام «الامومة» یا «مادری» به صورت برجسته در فقه مطرح نیست بلکه آن چه هست پاره‌ای احکام و لوازم و تبعات مادری است.

زن که از منظر مؤلّد بودن تبلور وجه خالقیت خداست در فقه نقش‌هایی دارد که نمی‌توان آن‌ها را لزوماً همان نگاه حداکثری و مورد توجه آموزه‌های اولیه دین دانست. چرا که به نظر می‌رسد

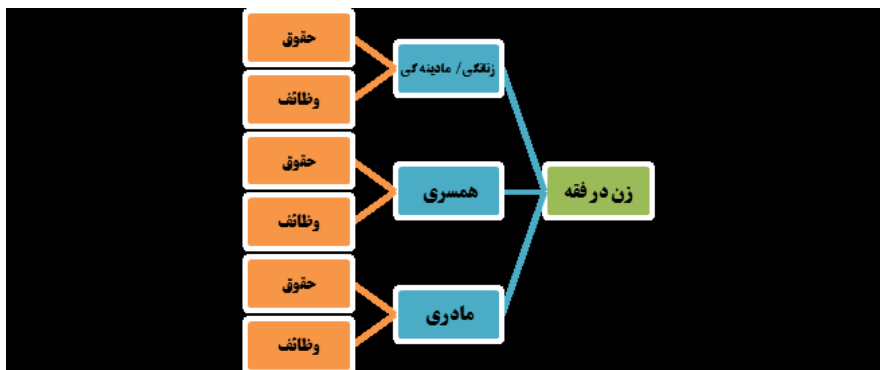


فهم برخی آموزه ها توسط فقیهان به گونه ای رقم خورده است که تامین کننده اهداف شارع و مقاصد تشریح نیست. (ر.ک: برهان زریق، المرأة فی الاسلام؛ فضل الله، دنیا المرأة)

زنان سه ساحت و حیث وجودی دارند که عبارتند از: مادری؛ همسری و زنانگی «مادینه گی» (جدول ۱) که در فقه برای هر سه ساحت زن وظائف و تکالیفی تعریف شده است.

زن به عنوان جنس؛ موظف به حجاب است و احکام ویژه ای در دوران قاعدگی دارد. احکامی عبادی اش دست خوش تغییر می شود و فقه ویژه ای دارد. ( به گونه ای که پاره ای از فقیهان را بر آن داشته تا فقه خاص زنان بنویسند که از آن جمله می توان از رساله دیرپای «احکام النساء» شیخ مفید یاد کرد.)

زن آن گاه که تن به تشکیل نهاد خانواده می دهد و در ساحت همسری پای می نهد احکام و وظائف ویژه ای دارد. از جمله این احکام می توان به: لزوم تامین نیازهای جنسی شوهر؛ ضرورت استئذان از همسر در مراودات بیرونی و... یاد کرد.



ساحت دیگر زن مادری است. زن آن گاه که مادر می شود موظف به تکالیفی ویژه است که از آن جمله می توان به: ضرورت حفاظت از فرزندگی که در رحم دارد؛ شیردهی ویژه - و نه لزوماً دوسال (چرا که زن می تواند بابت شیردهی غیر ویژه تقاضای هزینه کند). و... اشاره کرد.

این سه حیث اولاً به هم گره نخورده اند و ثانیاً در هر سه ساحت وظائف و تکالیف زنان به خوبی و پر هیمنه تبیین شده است اما؛ اولاً: نسبت به حقوق زن در این سه ساحت دقت لازم نشده است.

ثانیاً: نسبت سنجی تکالیف با حقوق در این ساحت ها مورد مطالعه و بحث قرار نگرفته است.



مادری در فقه حداقل چند بحث مهم دارد که باید به آن ها توجه نشان داد مقولاتی هم چون:

۱. مفهوم شناسی فقهی مادر؛ چرا که مادری صورت های چندی دارد: الف) مادری که بارداری کرده است و تولید داشته است و دوران شیردهی را تجربه کرده است و در تربیت کودک نقش جدی داشته است.

ب) مادری که نقشی در حضانت کودک نداشته و پس از تولد کودک خانواده را رها کرده است.

ج) مادری که نه تولید داشته و نه شیردهی را تجربه کرده است بلکه تنها در تربیت و حضانت نقش ایفاء کرده است و به عبارت دیگر فرزند دیگری را به فرزندى قبول می کند.

۲. تبیین نسبت تکالیف و حقوق مادر در ساحت های فوق.

۳. نسبت سنجی حقوق و تکالیف مادر با دیگر ساحت ها هم چون همسری و زن بودن. در مجموع می توان بحث هایی که در ذیل عنوان «مادری در فقه» قابل طرح هستند را این گونه به تصویر کشید. (جدول ۲)



در این مقاله تلاش شده است تا تنها گزارشی انتقادی از آراء مرتبط به نقش زن به عنوان مادر



پرداخته شود و در ذیل دو رویکرد به ظرفیت ها و آسیب های آن مورد اشاره قرار گیرد.

### رویکرد سنتی و اولویت نقش مادری بر دیگر نقش های زن

مادری ظرفیتی است که زن می تواند از آن استفاده درست کند و نه تنها خویش را بر جامعه تحمیل کند که جامعه را به میل خویش تربیت کند. اما این جنبه از هویت زن آسیب هایی نیز به همراه داشته و دارد که مهم ترین آن ندیده شدن دیگر ظرفیت های زنان است.

مادری سه تبلور دارد که لزوماً همه مادران به این سه نکته هویت ساز وفادار نیستند. این سه ساحت عبارتند از: بارداری و تولید مثل؛ تغذیه و شیردهی و تربیت و حضانت.

در مورد اولویت و اهمیت این سه ساحت از یک سو و نسبت وظیفه ای به نام مادری با دیگر حقوق و هویت های زنان از دیگر سو دو نظریه یا رویکرد وجود دارد که به اجمال مورد اشاره قرار می گیرد.

در نگاه سنتی به زن؛ وظیفه و مسئولیتی که بر دیگر مسئولیت های وی غلبه دارد و باید دیگر حقوق و وظائف زن را با او سنجید و هماهنگ کرد عبارت از وظیفه مادری است. (الخباز، صورة المرأة فی التراث الشیعی، ص ۲۰؛ برای تبیین بیشتر این نوع نگاه ر.ک. : طهرانی، رساله بدیعه)

این نوع نگاه البته ریشه های عمیق و فراوانی در تاریخ اندیشه های بشری و پیشا اسلامی و برخی آموزه های پسااسلامی دارد که این نوشتار در مقام تبیین و نقد آنها نیست اما به اجمال می توان از آراء بزرگانی مثل خواجه نصیر یاد کرد که مهم ترین هدف خلقت زنان را خدمت گذاری مردان می دانند. وی در اخلاق ناصر با اشاره به این هدف مهم تولید نسل و بقاء نوع انسانی را از مصادیق این خدمت گذاری می داند. (همان، ص ۸۱؛ ملکیان؛ مجله نصوص معاصر، شماره ۶، ص ۳۶)

یکی از نویسندگان معاصر با اشاره به نظام پدر سالار «النظام الابوی» patriarchy در مقابل نظام مادر سالار «نظام الامومیه»، matriarch و تبعات آن در اندیشه دینی در توصیف جایگاه زن در اندیشه های شیعی با اشاره به مبانی آن چه تشکیل دهنده نگاه شیعی به زن است که ریشه در آراء ارسطو دارد یکی از مبانی را این گونه گزارش می کند: «ان الوظيفة الاولى للانثى هي



الإنجاب و الولادة؛ ای انها خلقت لحفظ النسل.» (همان) سیدمحمد حسین فضل الله از فقیهان نواندیش شیعی آن گاه که در مورد «ناسازگاری وظیفه مادری و اشتغال» مورد پرسش قرار می گیرد نمی تواند خود را از هیمنه و سلطه نظریه غالب سنتی نجات دهد لذا پیشنهاد بهره گیری از اوقات فراغت را برای ورود به عرصه اجتماعی مطرح می کند:

به نظر شما زن چگونه می تواند میان نقش خود به عنوان «مادر» و نقش عمومی خود در جامعه هماهنگی پدید آورد؟

پاسخ: زن می تواند از اوقات فراغت خود برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی استفاده کند. (فضل الله، دنیای زن، ص ۱۰۱)

این پاسخ ایشان به تفاوتی بر می گردد که در نگاه سنتی بین ساحت پدری و مادری تعریف میکنند. وی می گوید: پدری مرد وابسته به جسم او نیست در حالی که مادری زن در بدن اوست. (همان، ص ۸۲) یکی از نویسندگان معاصر اهل سنت نیز با اشاره به این رویکرد و آسیب های آن می نویسد: «یری معظم فقهاء الشريعة ان الولاية للرجل؛ لان المرأة معدة بطبيعتها لرعاية بيتها و ما يتطلبه ذلك من امور تتصل بالامومة و رعاية الاسرة و القرار في البيت...» (زریق، برهان، المرأة في الاسلام قراءة معاصرة، ص ۲۵۹)

بیشتر فقیهان معتقدند ولایت (سیاسی و غیر سیاسی) از آن مردان است؛ چرا که زن به صورت طبیعی برای رعایت منزل ساخته شده است و هر آن چه که به امور بیت ارتباط دارد که عبارتند از: مادری؛ رعایت خانواده و آرامش خانه (یا آرام گرفتن در خانه) و...

این نوع از نگاه که زن را در نقش مادری آن هم تولیدی می بیند تا به آن جا رسیده است که عاملی مهم برای به حاشیه رفتن یا سلب دیگر حقوق زنان را فراهم کرده است یکی از صاحب نظران معاصر شیعی در گزارش رای سنتی در این باره می گوید: «كانوا يرون المرأة موجوداً وظيفته الاولى الحمل و الولادة لحفظ النسل الانساني؛ و في واقع الامر نرى الكثير من الحقوق المعطاه للمرأة او المسلوية منها قائماً على هذه الروية» (الخبا، المرأة في الفكر





الاسلامی المعاصر؛ گفت و گو با محمد مجتهد شبستری؛ ص ۸۲)

ایشان) زن را موجودی می دانند که وظیفه اولیه اش بارداری و تولید نسل است تا بتوان نسل انسانی را حفظ کرد. در واقع بسیاری از حقوق زن گره خورده به جایگاه مادری او و لذاست که محرومیت ها و قابلیت های حقوقی وی با مادری تعریف شده است.

### رویکرد نواندیشانه و توجه به نقش مادری به سان دیگر نقش ها

رویکرد دیگر معتقد است مادری نیز یکی از نقش های فراوان زن است که در نسبت دیگر نقش ها تعریف می شود. این رویکرد متعلق به نو اندیشان دینی است و بر این مبنا استوار است که زن پیش از آن که مادر باشد زن است با تمام حقوق انسانی که باید در تأمین آن تلاش کرد.

این دیدگاه معتقد است نگاه سنتی تلاش کرده است با نوعی جعل تقدس برای جایگاه و شأن مادری و برجسته کردن آن، زن را به حضور در خانه وادارد و از این مسیر مانع توجه زنان به حقوق انسانی دیگرشان شود. ایشان معتقدند رویکرد سنتی سبب شده تا زنان برای همیشه در قیومت مردان باقی بمانند و با دور شدن از تحصیل و اشتغال و عدم حضور فعالانه در فعالیت های اجتماعی هیچ وقت نتوانند ظرفیت انسانی و واقعی خویش را نمایان کنند.

برخی از نویسندگان (علی المصطفی، ثقافتنا الجنسیة بین فیض الاسلام و استبداد العادات، ص ۲۳۱)، به درستی از عدم تمرکز مدیریت خانواده در دست زنان گفته اند و آن را در راستای امکان به فعلیت رساندن دیگر نقش های زنان در جامعه دانسته اند اما روشن است که:

اولاً: فقه و فقیهان با احکام و فتاوی هم چون لزوم هماهنگی زنان با شوهران شان برای بهره گیری از حقوق اجتماعی و ... مانع تحقق این نکته شده اند چرا که وقتی حتی حضور در محیط های علمی برای تحصیل مشروط به عدم تعارض آن با تأمین نیازهای جنسی شوهر می شود به راحتی نمی توان از عدم تمرکز مدیریت در خانواده را معلول این نکته دانست.

ثانیاً: واقعیت موجود در تاریخ حیات فقهی مسلمانان نیز مؤید این نکته نیست. چرا که نگاهی اجمالی به زندگی مسلمانان نشان می دهد که این عدم تمرکز نتوانسته است این دغدغه را تأمین کند.

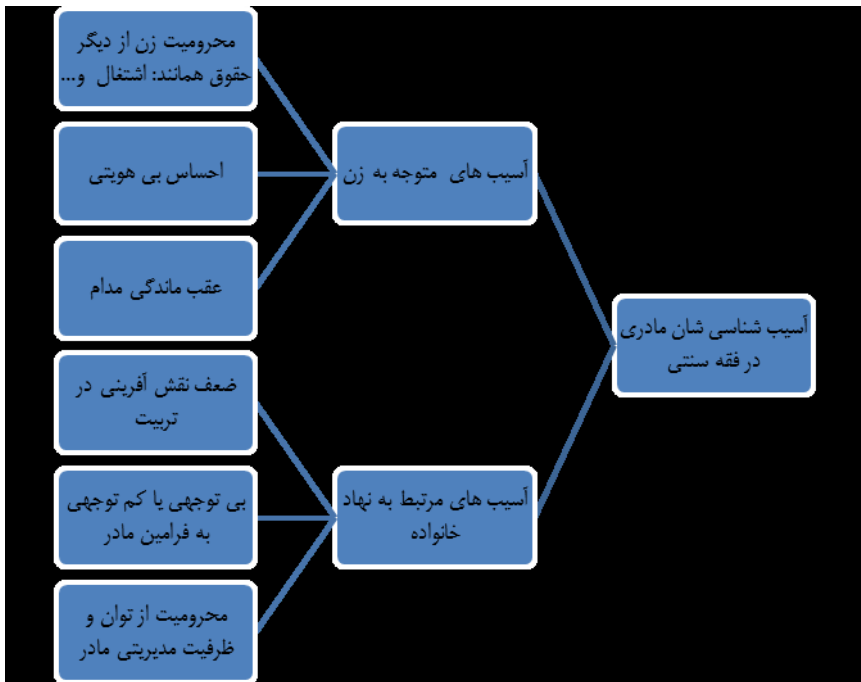


## آسیب شناسی رویکرد سنتی به مقوله مادری

نگاه سنتی به زن با لحاظ جایگاه مادری با توجه به حضور دیر هنگامش در حیات مسلمانان آسیب های چندی را به دنبال داشته است (جدول زیر) که در یک تقسیم کلان می توان آن را به:

الف) آسیب هایی که متوجه زن شده و پاره ای از حقوق و شوون وی را به مخاطره و تعطیلی کشانده است.

ب) آسیب هایی که از مسیر نادیده انگاشتن برخی ظرفیت های زن متوجه نهاد خانواده و ارکان شده است.



### الف) آسیب های متوجه زن

نادیده انگاری حقوق زنان همانند: حق تحصیل؛ حق اشتغال؛ حق حضور در جامعه؛ حق برخورداری یک سان در مدیریت های اجتماعی و ... بسیاری دیگر از حقوق که در زیر سایه نگاه ویژه به نقش «مادری» در دستگاه سنتی متوجه زنان شده است.



در نگاه سنتی با تمام اهمیتی که برای مادری قائل می شوند اما حاضر نیستند تبعات حقوق آن را بپذیرند و لذا هم در فقه و هم در حقوق هیچ گونه ولایت قهری و مستقل برای مادر به رسمیت شناخته نمی شود.

در فقه شیعه (در فقه اهل سنت برخی معتقدند که مادر نیز ولایت قهری دارد. ر.ک. به محمد جواد مغنیه، الاحوال الشخصیه علی المذاهب الخمسه، ص ۳۵۵) بنابر نظر مشهور (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۰۱؛ عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۲۵۵ به بعد، محقق، الشرائع، ص ۳۵۴) ولایت بر طفل به اشتراک با پدر و جد پدری است و مادر نسبت به اداره اموال فرزندان خویش هیچ سمتی ندارد.

نکته دیگری که باز در فقه وجود دارد، تفاوت نگاه به حق حضانت در مورد پدر و مادر است. فقه حضانت پدر را از مقوله حق و تکلیف می داند که قابل اسقاط یا واگذاری نیست اما حضانت مادر را از مقوله حق تنها می داند که مانند شیردهی است و لذا هم می تواند اسقاط کند و هم می تواند در برابر آن مطالبه اجرت کند.

صاحب جواهر می نویسد: حضانت نسبت به مادر همانند شیردهی است که بر او واجب نیست و می تواند آن را اسقاط کرده یا برای آن اجرت مطالبه کند. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۴؛ خوئی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۶ می گویند: حق الحضانه الذی یکون للام یسقط باسقاطها بخلاف حق الحضانه الذی یکون للاب او الجد فانه لایسقط باسقاطه)

## ب) آسیب های مرتبط با نهاد خانواده

نگاه سنتی به زن که وی را در زندگی جدی نمی گیرد و از پاره ای از موقعیت ها محروم می کند در نهاد خانواده هم تاثیری منفی دارد. این نوع نگاه زن را شخصیتی مورد اعتماد در سپردن فرزند به او نمی داند و مشورت با وی را مشکل آفرین می داند. (فقیهان نگاه مثبتی به عدالت در زنان ندارند بلکه فسق را در میان آنان رایج تر می پندارند. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۹)

در نگاه سنتی نه تنها از ظرفیت زن استفاده نمی شود بلکه به دلیل آن که ولایتی برای وی بر فرزندان قائل نیست و در مدیریت خانواده نیز مرد فعال مایشاء دانسته شده است؛ نهاد خانواده از



تمام ظرفیت های زن به عنوان یک انسان و دارای درک و شعور انسانی محروم می گردد.



## منابع

- ۱- أبا بطین، أحمد بن محمد، المرأة المسلمة المعاصرة إعدادها ومسئوليتها في الدعوة، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تهران، صدوق، ۱۳۴۸.
- ۳- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، رساله بدیعة فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء ...، تهران: صدرا، ۱۴۰۷ق.
- ۴- حکیم پور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۵- الخباز محمد، المرأة فی الفكر الاسلامی المعاصر، گفت و گو با محمد مجتهد شبستری.
- ۶- الخباز، محمد، صورہ المرأة فی التراث الشیعی، بیروت، الانتشار العربی، چاپ اول، ۲۰۰۹.
- ۷- زریق، برهان، المرآة فی الاسلام قرآنه معاصره، دمشق، دارکنعان، چاپ اول، ۲۰۰۱.
- ۸- سید محمد حسین فضل الله، دنیا المرأة، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۹- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، قم، بوستان کتاب قم (مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی)، ۱۴۲۹ق.
- ۱۰- عادل حسن یوسف الحمد، دور المرأة فی رعاية الأسرة، بی جا، بی نا، بی تا.



۱۱- علی المصطفی، حسین، ثقافتنا الجنسیة بین فیض الاسلام و استبداد العادات، بیروت، المرکز الثقافی العربی، چاپ اول، ۲۰۰۳.

۱۲- فضل الله، سید محمد حسین، دنیای زن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیة هامة، قم، علی ابن ابیطالب، بی تا.

۱۴- ملکیان، مصطفی، مجله نصوص معاصر، شماره ۶.

۱۵- النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، موسسه المرتضی العالمیه، ۱۴۱۲.

